



از رنتیسی تا سمیر قنطار؛ دشمنی که جرأت ترور ندارد

توانمندی مقاومت به حدی رسیده که دیگر دشمن جرأت انجام ترورهای مستمر علیه رهبران مقاومت را ندارد چه رسد به اینکه مسئولیت آن را به عهده بگیرد.

به گزارش آران نیوز: سه شنبه 17 آوریل (بیست و هشت فروردین)، چهاردهمین سالگرد شهادت عبدالعزیز الرنتیسی، یکی از مؤسسان و رهبر جنبش حماس در نوار غزه بود.

سال 2004 میلادی تنها 25 روز پس از شهادت شیخ احمد یاسین، مؤسس و رهبر معنوی جنبش حماس، اتومبیل عبدالعزیز الرنتیسی هدف موشک بالگرد آپاچی رژیم صهیونیستی قرار گرفت. محافظ الرنتیسی در دم جان باخت و خود او نیز بر اثر شدت جراحات به یاران شهیدش پیوست.

زندگینامه

عبدالعزیز الرنتیسی 23 اکتبر 1947 در روستای یبنا، بین عسقلان و یافا به دنیا آمد. سال 1948 هنگامی که عبدالعزیز نوزادی چند ماهه بود خانواده الرنتیسی به دلیل اشغال روستایشان مجبور به مهاجرت به نوار غزه شدند. آنها در اردوگاه آوارگان فلسطینی خانیونس ساکن شدند و در آنجا عبدالعزیز با 9 برادر و خواهرش نشو و نما یافت.

برای گذراندن آموزش های ابتدایی وارد مدرسه آژانس انروا شد و تا پایان دوره متوسطه تحصیلات خود را گذراند. با پایان دوره متوسطه توانست از انروا بورسیه ادامه تحصیل در رشته پزشکی را به دست آورد. سال 1972 از دانشکده پزشکی دانشگاه اسکندریه فارغ التحصیل شد. پس از آن در رشته طب کودکان، تخصص دریافت کرد. از سال 1976 در بیمارستان ناصر در خانیونس مشغول به کار شد.

الرنتیسی یکی از مؤسسان جنبش حماس است. وی به همراه تعدادی از فعالان مسلمان در نوار غزه در سال 1987 اقدام به تأسیس این جنبش کردند. وی نخستین نفر از رهبران حماس بود که 15 ژانویه 1988 تنها 35 روز پس از آغاز انتفاضه اول- که از 9 دسامبر 1987 آغاز شده بود- به اتهام شعله ور کردن انتفاضه به مدت 21 از سوی صهیونیست ها بازداشت شد. این آغاز زندان رفتن های وی بود و تا لحظه شهادت هفت روز را در زندان های رژیم صهیونیستی به سر برد.

17 دسامبر 1992 به همراه 400 نفر از فعالان نوار غزه و برخی از اعضای جنبش های حماس و جهاد اسلامی به روستای مرج الزهور تبعید شد. در مرج الزهور، نبوغ الرنتیسی از نو شکوفا شد. او سخنگوی تبعیدشدگان بود و در آنجا روابط بسیار عمیقی با جبهه مقاومت پیدا کرد. یک سال پس از تبعید، به محض بازگشت به نوار غزه از سوی صهیونیست ها بازداشت شد و تا 1997 در زندان به سر برد. الرنتیسی چهار بار هم توسط دستگاه امنیتی تشکیلات خودگردان به عنوان زندانی سیاسی دستگیر شد.

ترورها

الرنتیسی چهار بار هدف سوء قصد قرار گرفت، اما این ترور ها نافرجام بود. نخستین بار در مرج الزهور شخصی به عنوان مترجم عرب زبان یک خبرنگار ژاپنی وارد چادر اطلاع رسانی تبعیدشدگان شد و کیفی حاوی بمب را در آنجا کار گذاشت که منجر به انفجار و آتش سوزی آن چادر شد. بار دوم در ژوئیه سال 2003 مورد هدف قرار گرفت که در این مرتبه دو نفر از همراهانش شهید شدند و فرزندش احمد نیز به شدت زخمی شد. بار سوم در سپتامبر 2003 هدف قرار گرفت، اما این ترور هم موفق نبود. بار چهارم سه روز پس از ترور شیخ احمد یاسین هدف قرار گرفت، اما به سلامت از معرکه بیرون آمد.

مرتبه پنجم زمانی بود که اعضای حماس پس از شهادت شیخ احمد یاسین با وی به عنوان رهبر معنوی حماس بیعت کرده بودند و الرنتیسی جانشین شیخ احمد یاسین شده بود. حماس در پاسخ به ترور شیخ، عملیاتی را در بندر اسدود انجام داد. پس از این عملیات بود که بالگرد آپاچی رژیم صهیونیستی با هدف قرار دادن اتومبیل حامل وی سبب شهادتش شد.

تفاوت از زمین تا آسمان

نگاهی به عملیات های تروری که برای هدف قرار دادن الرنتیسی صورت گرفته دو نکته را به درستی نشان می دهد:

نخست، صهیونیست ها بدون درنگ برای رسیدن به هدف ترور، برنامه ریزی می کردند و باکی از این عملیات های پشت هم نداشته اند.

دوم اینکه، در عملیات های تروری که برنامه ریزی شده است صهیونیست ها آشکارا وارد میدان شده اند و با بالگرد اهداف خود را هدف قرار داده اند، بدون آنکه از آشکار شدن مجری عملیات واهمه ای داشته باشند.

یک نتیجه گیری ساده

اگر نگاهی به عملیات های تروری که صهیونیست ها طی هفت سال اخیر برنامه ریزی کرده اند نگاهی بیندازیم، می بینیم که ترور شخصیت هایی چون مصطفی بدرالدین، سمیر قنطار و دیگر فرماندهان مقاومت به گونه ای صورت گرفته است که هیچ یک از دو فاکتور فوق در آنها مشاهده نمی شود یعنی نه ترورها پشت هم صورت گرفته است و نه اینکه صهیونیست ها به این ترورها اذعان کرده اند.

آنچه از این مطلب می‌توان نتیجه گرفت این است که مقاومت آنقدر توانمند شده که صهیونیست‌ها هرگز جرأت عرض اندام علنی مقابل آن را ندارند. روزگاری بین سال‌های 2003 تا 2004 میلادی، طی چند ماه، تنها چهار عملیات ترور علیه یک شخصیت مقاومتی مثل الرنتیسی انجام می‌دادند و این در حالی بود که در همین زمان رهبران دیگری از مقاومت چون شیخ احمد یاسین را ترور کرده بودند.

اما امروز صهیونیست‌ها هرگز جرأت اعلام نام خود را ندارند و هر اقدام خرابکارانه‌ای هم انجام می‌دهند، در سکوت کامل و بدون گردن گرفتن آن است. این در حالی است که فاصله این عملیات‌ها نیز بسیار زیاد است و همچون الرنتیسی با فاصله‌های کوتاه صورت نمی‌گیرد. این مفهوم یک معنی بیشتر ندارد و آن اینکه مقاومت در حال از بین بردن رژیم صهیونیستی است و این امری بدیهی است که نمی‌توان از آن گریخت.